

مسامحه دارند

نقض دادنامه بدوی «مبنی بر صدور حکم به فسخ نکاح با پرداخت مهریه به نرخ روز» در دادگاه تجدیدنظر و صدور حکم به بطلان دعوی مذکور و ابرام حکم اخیر در دیوان عالی کشور

۱- دادنامه شماره ۲۲۳۵-۷۹/۷/۲۳ شعبه . . . دادگاه عمومی تهران

با توجه به محتویات پرونده ملاحظه می گردد آقای ص. م. فرزند مرحوم «ب» دادخواستی به طرفیت همسر رسمی خویش به نام خانم پ. ی فرزند مرحوم «ع» تسلیم دادگاه نموده و در آن مدعی گردیده است که خوانده یا وصف اینکه دارای مذهب اهل تسنن می باشد خود را در عقدنامه شیعہ معرفی نموده و نیز با اینکه کارگر بیمارستان می باشد خود را بر خلاف واقع پرستار معرفی نموده است. لذا درخواست فسخ نکاح را نموده است. خوانده پرونده ضمن حضور در جلسه دادگاه اظهار داشته قبول دارد که دارای مذهب اهل تسنن می باشد لکن خواهان از این موضوع مطلع بوده است و همچنین ایشان کمک بهیار بیمارستان می باشند. دادگاه با لحاظ محتویات پرونده و اظهارات طرفین و عدم ارائه دلیل و مدرک مؤثری از سوی خوانده دایر بر اثبات ادعای خود لذا خواسته مطروحه از جانب خواهان را موجه و محول تشخیص داده مستنداً به ماده ۱۱۲۸ قانون مدنی و با عنایت به اینکه مراسم عروسی صورت گرفته است آقای خواهان مجاز است پس از پرداخت مهریه مافی القباله خوانده به نرخ روز و با محاسبه تورم با مراجعه به یکی از دفترخانه های رسمی طلاق نسبت به فسخ نکاح و ثبت آن اقدام نماید. حکم صادره حضوری بوده و ظرف مهلت بیست روز پس از ابلاغ قابل اعتراض در مرجع محترم تجدیدنظر نظر می باشد.

رییس شعبه . . . دادگاه خانواده تهران
دادنامه شماره ۷۶۴-۷۹/۷/۲۳ شعبه . . . دادگاه تجدیدنظر استان تهران:

در خصوص دو فقره دادخواست تجدیدنظر خواهی

آقای ص. م. با وکالت آقای ر. ع. وکیل دادگستری و دو فقره دادخواست تجدیدنظر خانم پ. ی. با وکالت آقای ک. ل. که به طرفیت یکدیگر تقدیم گردیده و تجدیدنظر خواهی نامبردگان نسبت به دادنامه های شماره ۲۲۳۴ مورخ ۷۹/۷/۱۶ و ۲۲۳۵ مورخ ۷۹/۷/۲۳ صادره از شعبه . . . دادگاه خانواده تهران می باشد با توجه به محتویات پرونده اولاً: در مورد اعتراض تجدیدنظر خواهان مذکور و وکیل آنان که اولی نسبت به تعیین مهریه مندرج در دادنامه های مذکور و دومی به حکم فسخ نکاح معترض است. نظر به اینکه حسب محتویات پرونده و اظهارات و لویایح و مدارک تقدیمی طرفین که به تفصیل در پرونده مضبوط می باشد زوجین غیر از روابط زوجیت قرابت سببی نزدیک نیز با یکدیگر داشته اند علاوه بر آن

**با توجه به محتویات پرونده
دلیلی بر اعمال فریب یا
تدلیس و غرور از ناحیه زوجه
احراز نمی گردد و موضوع از
مصادیق ماده ۱۱۲۸ قانون
مدنی خارج است لذا صدور
حکم از ناحیه دادگاه بدوی
فاقد وجاهت قانونی است**

اهل یک محل و منطقه می باشند و هر دو به ریگ معروف می باشند و قبل از عقد نامبردگان به اوضاع و احوال یکدیگر و خانواده های یکدیگر بخوبی آگاه و مطلع بوده اند. قطع نظر از اینکه حسب ماده ۱۱۳۱ خیار فسخ فوریت داشته و به محض اطلاع دارند خیار باید از آن استفاده می نموده که علی الظاهر با توجه به فاصله بعید زمانی بین تاریخ وقوع عقد و تاریخ شکایت بحدی است

که مسامحه و اغماض دارند خیار در استفاده از حق خود را ثابت و محرز می نماید و از طرفی با توجه به دادنامه های شماره ۳۰۳۹ الی ۳۰۳۹ مورخ ۷۸/۱۱/۱۱ صادره از شعبه . . . دادگاه خانواده تهران ۵۹۵-۵۹۶ مورخ ۷۹/۴/۲۵ دادگاه تجدیدنظر استان تهران و ۴۱۱ مورخ ۷۹/۲/۱۴ شعبه . . . دادگاه خانواده و دادنامه های دیگری که فتوکپی همه آنها در پرونده مضبوط است و طرفین مدتها علیه یکدیگر شکایاتی را مطرح ساخته اند بویژه که تجدیدنظر خواه ردیف اول به طرفیت تجدیدنظر خواه ردیف دوم دادخواستی مبنی بر تمکین اقامه نموده و رای به محکومیت زوجه به تمکین هم صادر و قطعی گردیده و اجراییه نیز صادر شده و با عنایت به اینکه حسب محتویات پرونده و استشهادیه های پیوست علاوه بر اینکه زوجین با یکدیگر از قبل از عقد دارای قرابت سببی بوده و به کم و کیف اوضاع و احوال یکدیگر مطلع بوده اند در محل آنان، در موقع ازدواج اهالی، تعصبی در مورد سنی یا شیعه بودن یکدیگر ندارند تا این امر مانع از ازدواج با یکدیگر گردد علی ایحال با توجه به سایر محتویات پرونده من حیث المجموع دلیلی بر اعمال فریب یا تدلیس و غرور از ناحیه زوجه در امر ازدواج احراز نمی گردد و موضوع از مصادیق ماده ۱۱۲۸ قانون مدنی خارج است بناء علی هذا صدور حکم به فسخ نکاح با پرداخت مهریه به نرخ روز از ناحیه دادگاه بدوی فاقد وجاهت قانونی است لذا این قسمت از دادنامه های تجدیدنظر خواسته را نقض و حکم به بطلان دعوی خواهان بدوی صادر و اعلام می نماید.

ثانیاً: در مورد اعتراض دو نفر تجدیدنظر خواه مذکور به این قسمت از دادنامه های صادره که متضمن حکم محکومیت تجدیدنظر خواه ردیف اول به پرداخت نفقه معوقه زوجه می باشد با التفات به محتویات پرونده بویژه اظهارنامه های ارسالی برای تجدیدنظر خواه ردیف دوم و دادنامه های شماره ۳۰۳۹ الی ۳۰۴۲ مورخ ۷۸/۱۱/۱۱

صادره از شعبه . . . خانواده تهران که به موجب آن تجدید نظر خواه ردیف دوم به تمکین از شوهرش محکومیت یافته و حکم برائت تجدیدنظرخواه ردیف اول در مورد شکایت ترک انفاق صادر گردیده و قطعیت یافته و به مرحله اجراء هم رسیده است و با عنایت به سایر محتویات پرونده و تحقیقات و بررسیهای انجام شده و با عنایت به تقارن زمانی تاریخ رسیدگی و صدور حکم مذکور با تاریخ تقدیم دادخواست مطالبه نفقه معوقه بویژه مبدء و ابتدای تاریخ مطالبه آن نظر به اینکه حسب قانون علی القاعده مطالبه نفقه فرع بر تمکین از همسر می باشد و در تاریخهای مورد مطالبه زوجه از همسرش تمکین نداشته بنابراین در این مورد نیز صدور حکم بر محکومیت تجدید نظر خواه ردیف اول دایر بر پرداخت نفقات گذشته وسیله دادگاه بدوی فاقد جواز و محمل قانونی بوده در این مورد نیز ضمن نقض این قسمت از دادنامه های تجدیدنظر خواسته حکم به بطلان دعوی خواهان بدوی در این خصوص صادر و اعلام می نماید رای صادره در مورد فسخ نکاح حسب ماده ۳۶۸ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب طرف بیست روز از تاریخ ابلاغ قابل فرجام در دیوان عالی کشور است و نسبت به نفقه قطعی است .

رییس شعبه . . . دادگاه تجدید نظر استان تهران
 مستشار دادگاه . . .
 ۲- دادنامه شماره ۳۰۱۹۴-۳۰/۴/۲۵ شعبه . . .
 دیوان عالی کشور
 خلاصه جریان پرونده :

بر اساس محتویات پرونده آقای ص . م و خانم پ . ی در تاریخ ۱۸/۴/۷۷ با یکدیگر ازدواج نموده اند و پس از مدتی زندگی مشترک با یکدیگر اختلاف پیدا می کنند خانم مذکور در تاریخ ۵/۳/۷۸ دادخواست مطالبه نفقه معوقه از تاریخ ۱/۲/۷۸ تقدیم دادگاههای خانواده تهران می نماید و برابر محتویات پرونده قبل از آن زوج دادخواست تمکین علیه وی تقدیم نموده است طرفین دعوی مختلف کفیری نیز علیه یکدیگر تقدیم کرده اند که اکثر آنها منتهی به صدور حکم گردیده است زوج پس از ماهها اختلاف اقدام به تقدیم دادخواست فسخ نکاح نموده است هر چند اصل برگ دادخواست در پرونده علی رغم بررسی مکرر مشاهده نگردید و تاریخ دقیق ثبت آن مشخص نیست .
 زوج در دادخواست تقدیمی اظهار داشته است زوجه در عقد نامه رسمی مذهب خود را شیعه معرفی نموده است در صورتی که اهل تسنن است و به این جهت زوجه با تعدیس موجب فریب او گردیده است لذا درخواست رسیدگی و صدور حکم به فسخ نکاح دارد شعبه . . . دادگاه خانواده تهران به موضوع رسیدگی و طی دادنامه شماره ۲۲۳۵-۲۳/۷/۷۹ به شرح زیر اقدام به صدور رای نموده است : با توجه به محتویات پرونده ملاحظه می شود آقای ص . م فرزند مرحوم «ب» دادخواستی به طرفیت همسر رسمی خویش بنام خانم پ . ی فرزند مرحوم «ع» تسلیم دادگاه نموده و در آن مدعی گردیده که خواننده با وصف اینکه دارای مذهب اهل تسنن می باشد خود را در عقد نامه شیعه معرفی نموده و نیز با اینکه کارگر بیمارستان می باشد خود را بر خلاف واقع پرستار معرفی نموده است . لذا درخواست فسخ نکاح را نموده است . خواننده پرونده ضمن حضور در جلسه دادگاه

اظهار داشته قبول دارد که دارای مذهب اهل تسنن می باشد لکن خواهان از این موضوع مطلع بوده است و همچنین ایشان کمک بهیار بیمارستان می باشد . دادگاه با لحاظ محتویات پرونده و اظهارات طرفین و عدم ارائه دلیل و مدرک مؤثری از سوی خواننده دایر بر اثبات ادعای خود لذا خواسته مطرحه از جانب خواهان را موجه و محرز تشخیص داده علی هذا مستنداً به ماده ۱۱۲۸ قانون مدنی و با عنایت به اینکه مراسم عروسی صورت گرفته است آقای خواهان مجاز است پس از پرداخت مهریه مافی القباله خواننده به نرخ روز و با محاسبه تورم با مراجعه به یکی از دفترخانه های رسمی طلاق نسبت به فسخ نکاح و ثبت آن اقدام نماید .

با تجدیدنظر خواهی هر دو نفر زوج و زوجه پرونده در شعبه . . . دادگاه تجدید نظر استان طرح رسیدگی شده است که دادگاه مذکور طی دادنامه های شماره ۷۶۴ و ۷۶۳ به شرح زیر اقدام به صدور رای نموده است :

با توجه به محتویات پرونده اولاً : در مورد اعتراض تجدید نظر خواهان مذکور و وکیل آنان که اولی (زوج) نسبت به تعیین مهریه مندرج در دادنامه های مذکور و دومی

در این پرونده صدور حکم به فسخ نکاح با پرداخت مهریه به نرخ روز از ناحیه دادگاه بدوی فاقد وجاهت قانونی است لذا این قسمت از دادنامه های تجدیدنظر خواسته را نقض و حکم به بطلان دعوی خواهان بدوی صادر می نماید

به حکم فسخ نکاح معترض است نظر به اینکه حسب محتویات پرونده و اظهارات و لویح و مدارک تقدیمی طرفین که به تفصیل در پرونده مضبوط می باشد زوجین غیر از روابط زوجیت قریابت سببی نزدیک نیز با یکدیگر داشته اند علاوه بر آن اهل یک محل و منطبق می باشند و هر دو به ریگ معروف می باشند و قبل از عقد نامبردگان به اوضاع و احوال یکدیگر و خانواده های یکدیگر بخوبی آگاه و مطلع بوده اند قطع نظر از اینکه حسب ماده ۱۱۳۱ خیار فسخ فوریت داشته و به محض اطلاع دارنده خیار باید از آن استفاده می نموده که علی الظاهر با توجه به فاصله بعید زمانی بین تاریخ وقوع عقد و تاریخ شکایت به حدی است که مسامحه و اغماض دارنده خیار در استفاده از حق خود را ثابت و محرز می نماید و از طرفی با توجه به دادنامه های شماره ۳۰۲۲ الی ۳۰۳۹ مورخ ۱۱/۱۱/۷۸ صادره از شعبه . . . دادگاه خانواده تهران و ۵۹۶ و ۵۹۵ مورخ ۲۵/۴/۷۹ دادگاه تجدید نظر استان تهران و ۴۱۱ مورخ ۱۴/۲/۷۹ شعبه . . . دادگاه خانواده و دادنامه های دیگری که فتوکپی همه آنها در پرونده مضبوط است و طرفین مدتها علیه یکدیگر شکایاتی را مطرح ساخته اند بویژه که تجدیدنظر خواه ردیف اول به طرفیت تجدیدنظر خواه ردیف دوم دادخواستی مبنی بر تمکین اقامه نموده و رای به محکومیت زوجه به تمکین هم صادر و قطعی گردیده و اجرائیه نیز صادر شده و با عنایت باینکه حسب محتویات

پرونده و استشهادیه های پیوست علاوه بر اینکه زوجین با یکدیگر از قبل از عقد دارای قریابت سببی بوده و به کم و کیف اوضاع و احوال یکدیگر مطلع بوده اند، در محل آنان در موقع ازدواج اهالی تعصبی در مورد سنی یا شیعه بودن یکدیگر ندارند تا این امر مانع از ازدواج با یکدیگر گردد علی ای حال با توجه به سایر محتویات پرونده من حیث المجموع دلیلی بر اعمال فریب یا تعدیس و غرور از ناحیه زوجه در امر ازدواج احراز نمی گردد و موضوع از مصادیق ماده ۱۱۲۸ قانون مدنی خارج است بناء علی هذا صدور حکم به فسخ نکاح با پرداخت مهریه به نرخ روز از ناحیه دادگاه بدوی فاقد وجاهت قانونی است لذا این قسمت از دادنامه های تجدیدنظر خواسته را نقض و حکم به بطلان دعوی خواهان بدوی صادر و اعلام می نماید .

در قسمت ثانیاً موضوع نفقه معوقه زوجه مورد رسیدگی و حکم قرار گرفته است که به دلیل غیر قابل فرجام بودن ازدواج آن خودداری می گردد وکیل زوج در فرجه قانونی از این دادنامه فرجامخواهی نموده و طی لایحه تقدیمی مواردی را که غالباً تکراری است بیان داشته است که در هنگام شور قرائت خواهد شد پرونده از وصول به دیوان عالی کشور جهت رسیدگی به این شعبه ارجاع گردیده است . هیأت شعبه در تاریخ بالا تشکیل گردید پس از قرائت گزارش آقای جعفر قدیانی عضو ممیز و اوراق پرونده مشاوره نموده چنین رای می دهند .

بسمه تعالی
 رای شعبه : در خصوص فرجامخواهی آقای ص . م نسبت به دادنامه شماره ۷۶۴ و ۷۶۳ مورخ ۹/۱۲/۸۰ صادره از شعبه ۲۴ دادگاه تجدید نظر استان تهران با توجه به اینکه زوجین هر دو از اهالی یک منطقه هستند و معمولاً افراد اهالی یک محل روستایی معمولاً از مشخصه های یکدیگر آگاهند و با توجه به شهادت شهود امضاء کننده عقدنامه بر اینکه سردفتر ثبت کننده عقدنامه از زوجین در خصوص مذهب آنان سؤال ننموده است و مؤید این امر روال معمول در مناطق شیعه نشین می باشد که بدون سؤال از زوجین مذهب آنان را شیعه اثنی عشری قید می نمایند و در عقد مورد بحث نیز در تهران تنظیم و ثبت شده است و با توجه به اینکه مذتها بعد از بروز اختلاف بین زوجین و طرح دعوی متعدد حقوقی و کفیری علیه یکدیگر زوج اقدام به تقدیم دادخواست فسخ نکاح نموده است و خصوصاً با توجه به اظهارات طرفین در این شعبه که زوجه صریحاً اظهار داشته اگر ایراد زوج صرفاً مذهب اوست حاضر است به مذهب حقه شیعه شرف یابد و از اظهارات زوج چنین استفاده شد که به دلیل سنگینی مهریه اقدام به تقدیم دادخواست فسخ نموده است . همچنین با توجه به اینکه شعبه محترم دادگاه تجدیدنظر همه جوانب امر را تفصیلاً مورد رسیدگی قرار داده و اظهارات طرفین را استماع و به صورت مستدل و مستند اقدام به صدور رای نموده است دادنامه فرجامخواه را عاری از هر گونه منقصت و خدشه تشخیص فرجامخواه نیز دلیل موجهی که موجب تزلزل آن باشد ارائه ننموده است بناء علی هذا با رد فرجامخواهی فرجامخواه دادنامه فرجامخواسته در قسمت حکم به بطلان دعوی فسخ نکاح از ناحیه زوج تأیید و ابرام می نماید و در قسمت نفقه نیز به دلیل غیر قابل فرجام بودن موضوع هیأت شعبه فارغ از اظهار نظر می باشد .